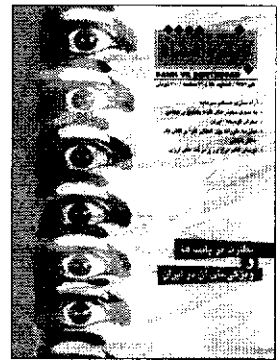


نوبین نظارت تهیه و تدوین گردید. براین اساس، انجام عملیات حسابرسی از برنامه کار بازرسان بانک مرکزی حذف شد و کنترل‌ها و مراقبت‌های اساسی در راستای انجام وظیفه اصلی نظارت در جهت حصول به هدف‌های نظارتی در برنامه کار آنان قرار گرفت.

که تغییرات در سیاستگذاری پولی، مستلزم ایجاد دگرگونی در شیوه نظارتی بانک مرکزی بود، اما در عمل، این اقدام صورت نگرفت و شیوه پیشین کماکان استمرار یافت. از ابتدای سال ۱۳۶۸، شیوه نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها دگرگون شد و دستورالعمل و خط‌مشی کلی برای شیوه



سلامت بانک‌ها و نظارت

بانک مرکزی

همچنین، باید مراقبت شود که صورت‌های مالی که انعکاس دهنده وضعیت بانک‌هاست، به نحو مرتب تهیه و تنظیم شود و انتشار یابد.»

اصول ۱، ۲۰ و ۲۱
منشور بان در زمینه اصلاح
نظام بانکی

شبکه بانکی، بورس اوراق بهادار، مؤسسه‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسه‌های مالی - اعتباری و نهادهای مشابه آنها در مجموع سازمان‌ها و مناسباتی را پدید می‌آورند که بخش مالی اقتصاد را تشکیل می‌دهند. گستره بهینه مؤسسه‌های مالی، در یک ساختار مالی بهینه متصور و فراهم می‌شود.

عناصر اساسی نظام سالم مالی شامل محیط کلان اقتصادی با ثبات، بخش خصوصی پویا و ضوابط و مقررات نهاد (چارچوب قضایی) حمایت‌کننده‌ای است که هم شیوه اداره داخلی نهادهای مالی و نظم بخشی خارجی به نیروهای بازار و هم تنظیم قدرتمند و نیز نظارت بر آن را ممکن می‌سازد.

بانک‌ها، نهادهای اقتصادی برآمده از نیازهای مجموعه اقتصادی هر جامعه هستند که در راستای تسهیل گردش اقتصاد پدید آمده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

فرآیند تکوین بانک‌ها طی سالیان دراز، فراز و نشیب‌های فراوانی را شاهد بوده و بحران‌های بسیاری را پشت سر نهاده است. این روند به گستره فعالیت بانک‌ها تنوع و تکرر بخشیده و

«در نظام نظارت بر بانک‌ها، باید مسوولیت و هدف‌های دستگاه‌ها و سازمان‌هایی که امر نظارت بر نهاد‌های بانکی را عهده دارند، به گونه‌ای روشن و صریح تعیین شده باشد. چنین دستگاه‌ها و سازمان‌هایی در عین حال باید از استقلال عملیاتی و منابع کافی برخوردار باشند. وجود یک چارچوب قانونی مناسب، متضمن پیش‌بینی‌های لازم در زمینه صدور مجوز برای شروع فعالیت‌های بانکی و نظارت مستمر بر بانک‌ها، اطاعت از قوانین و مقررات بانکی و رعایت شرایط لازم برای تأمین سلامت فعالیت‌های بانکداری و همچنین، حمایت قانونی از نظارت‌کنندگان نیز از الزامات استقرار هر نظام کارآمد نظارت بر فعالیت‌های بانکی است. در نظام نظارت بر بانک‌ها باید ترتیبات و تمهیدات لازم برای تبادل اطلاعات بین نظارت‌کنندگان، در عین حفظ اسرار نهاد‌های بانکی و محرمانه تلقی کردن این اطلاعات نیز فراهم آید.

نظارت‌کنندگان بر بانک‌ها باید بتوانند مجموعه نهاد‌های بانکی را بر مبنای تلفیقی نیز مورد نظارت قرار دهند.

نظارت‌کنندگان باید مراقبت نمایند که کلیه بانک‌ها با اتکال به روش‌های مطمئن و سازگار حسابداری، اطلاعات و گزارش‌های کافی در مورد عملیاتشان را تهیه و ارائه نمایند، به گونه‌ای که نظارت‌کنندگان بتوانند از وضعیت مالی بانک‌ها و سودآوری فعالیت‌های آنها تصویری درست و واقعی در اختیار داشته باشند و

در یک نظام بانکداری سالم، بانک‌ها باید توانایی بازپرداخت به‌هنگام دیون خود و امکان حفظ این قابلیت را داشته باشند.



همان‌گونه که برنامه‌ریزی‌های صحیح اقتصادی و اتخاذ راهکارهای مبتنی بر مبانی علمی و راهبردی، نیاز اساسی استقرار یک نظام پولی و بانکی کارا می‌باشد، تطبیق این سیاست‌ها با اصول و مقررات حقوقی و اجرای آن در چارچوب قوانین حاکم بر جامعه نیز به شدت ضروری است.

نظارت که باید نتیجه عمل را با هدف تعیین شده مطابقت داده و شیوه عمل را ارزیابی کند، هم از جنبه کیفی و هم از جنبه کمی وجود دارد. نظارت بر کمیته، اندکی آسانتر از نظارت بر کیفیت است، زیرا تشخیص کیفیت امری نظری و مشکل بوده و مستلزم آگاهی نسبت به تخصص‌های فنی است و بیشتر با قضاوت‌های ارزشی همراه می‌باشد.

نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها در مجموعه نظارت‌های نظام بانکی اهمیت ویژه‌ای دارد و مهمترین هدف آن هم اعمال درست و بهنگام سیاست پولی و اعتباری است.

صیانت سپرده‌های مردم، حفظ حقوق صاحبان سهام، حفظ امنیت و سلامت بانک یا مؤسسه اعتباری، از جمله هدف‌های دیگر نهاد نظارتی بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری، یعنی بانک مرکزی است.

حفظ منافع و مصالح عالیه عمومی در ذات هدف‌های بانک مرکزی مستتر بوده و بر حفظ منافع فردی، گروهی و سازمانی برتری دارد. بیشتر عملیات بانک‌ها متغیرهای پولی را تحت تأثیر قرار داده و در نهایت، این عملیات موجب تغییر در میزان پول و شبه پول می‌شود.

توجه به این نکته که تغییر بیش از اندازه در میزان نقدینگی، موجب عدم تعادل‌های اساسی اقتصادی و تغییر ارزش پول ملی شده که در نهایت زیان آن متوجه تمام جامعه می‌شود، اهمیت و نقش نظارت عالیه بانک مرکزی را به خوبی روشن می‌سازد. از اینرو، حصول به این هدف، مستلزم رعایت دقیق مقررات و ضوابط بانکی، به ویژه مقررات و ضوابط پولی و بانکی توسط بانک‌ها است.

نقش نظارت بانک مرکزی، مراقبت مستمر از رعایت این ضوابط و مقررات می‌باشد.

وظیفه بانک مرکزی ایجاب می‌کند که همواره و بدون وقفه مراقب و ناظر امنیت و سلامت بانک یا مؤسسه اعتباری برای حفظ منافع افراد ذینفع و جامعه باشد.

هنگامی می‌توان از سلامت و امنیت بانک یا مؤسسه اعتباری اطمینان حاصل نمود که دارایی‌ها و سرمایه‌های آنها به ترتیب از کیفیت لازم و کفایت قابل قبول برخوردار باشند.

نظارت بر کیفیت دارایی‌ها

ارزش هر مؤسسه اقتصادی، از جمله بانک، بستگی به ارزش دارایی‌هایش دارد. از آنجا که سهم شایان توجه دارایی‌های بانک از وام‌ها و تسهیلات اعطایی (دارایی‌های مالی) تشکیل شده است، لذا بخش عمده ارزش این مؤسسه بستگی تام به ارزش این قسمت از دارایی‌ها دارد. هنگامی که این گونه دارایی‌ها در سررسید به آسانی

بانک‌ها را از نقطه نظر شیوه و محدوده فعالیت به گونه‌های مختلف تقسیم کرده است.

به دلیل نقش مرکزی سیستم بانکداری در اقتصاد، دولت‌ها اجازه نمی‌دهند که بانک‌ها به شکل گسترده دچار مشکل شوند، زیرا عدم برخورد با ناتوانی‌های نظام بانکی، تهدیدی برای ثبات اقتصاد کلان محسوب می‌شود.

در نظام بانکداری سالم، بانک‌ها باید توانایی بازپرداخت به هنگام دیون خود و امکان حفظ این قابلیت را داشته باشند. در مجموع، عوامل متعددی می‌توانند موجب شکست بانک‌ها و از دست رفتن نظام بانکی شوند، عواملی همچون: مدیریت ضعیف و مسامحه کار، خطرپذیری (ریسک) بیش از اندازه، محیط عملیات نامناسب، تقلب و فریبکاری، نابسامانی و آشفتگی اوضاع اقتصادی و ...

تقویت نظام بانکی و حفظ سلامت و کارایی آن، به خودی خود، یک هدف سیاستی به شمار می‌رود، زیرا به طور همزمان، ناتوانی نظام بانکی می‌تواند اثرات مثبت تدابیر اقتصاد کلان را به طور اعم و سیاست پولی را به طور اخص محدود سازد. بهترین و عمده‌ترین نکته در حفظ سلامت بانک‌ها و شبکه بانکی، وجود یک چارچوب نظارتی، مشتمل بر کنترل داخلی، نظم بازار و نظارت رسمی است.

بانک‌ها وظیفه‌های گوناگونی دارند که نظارت کمی و کیفی بر آنها را بانک‌های مرکزی به عهده دارند.

بانک مرکزی، یکی از اساسی‌ترین، پیچیده‌ترین و حساس‌ترین ابداعات بشر است. اهمیت بانک‌های مرکزی بیشتر از جهت تأثیر عمیق و شگرفی است که بر شئون اقتصادی جامعه دارند.

بانک‌های مرکزی برای نیل به هدف‌های عالیه خود، دارای وظایف گوناگونی می‌باشند که عمده‌ترین آنها عبارتند از: ۱- تدوین مقررات مربوط به پول ملی، به گونه‌ای که نظام پولی کشور بر پایه نیازهای واقعی اقتصاد تنظیم شود.

۲- تنظیم مقررات مربوط به حدود و هزینه‌های اعتبارات اعطایی به دولت و به نظام بانکی کشور و تغییرات مربوط به نرخ و ماهیت تنزیل مجدد.

۳- تعیین حدود مجاز اعتباری به منظور کنترل حجم پول و نقدینگی اقتصاد در سطح مقبول برنامه‌ریزان پولی و مالی کشور.

۴- نظارت بر امور بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری کشور به منظور حفظ سلامت نظام پولی کشور.

۵- ایفای وظایف بانکداری در ارتباط با دولت.

۶- حفاظت از ذخایر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری کشور.

۷- حفاظت و اداره ذخایر ارزی کشور.

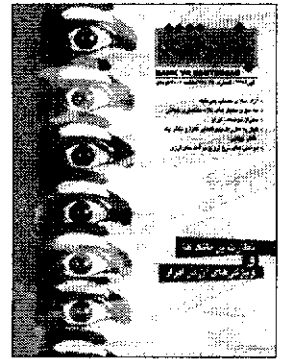
۸- تسویه حساب بین بانک‌ها و تسهیل پرداخت‌ها و تسویه حساب‌های بانکی. در بین این وظایف، بندهای ۱ و ۴ تأثیر بسیار پیچیده‌ای بر اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی می‌گذارند و به سادگی قابل ارزیابی نمی‌باشند.

○ مهمترین و عمده‌ترین نکته در حفظ سلامت بانک‌ها و شبکه بانکی، وجود یک چارچوب نظارتی، مشتمل بر کنترل داخلی، نظم بازار و نظارت رسمی است.

نظارت بر کفایت سرمایه

سرمایه همواره بخش اعظم منابع هر واحد اقتصادی را تشکیل می‌دهد. نسبت سرمایه به کل منابع هر واحد اقتصادی، بستگی به نوع فعالیت آن واحد دارد. امروزه، برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری، از یک سری شاخص‌های مالی استفاده می‌شود که نسبت کفایت سرمایه در میان آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا سرمایه رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که به آن اجازه می‌دهد تا در هنگام رویارویی با مشکلات کلان اقتصادی، توانایی بازپرداخت بدهی‌های خود را داشته باشد.

قابلیت نقدشدن داشته باشند، از کیفیت بالا برخوردار بوده و در نتیجه، بانک وضع مالی مناسبی داشته و توانا به ایفای بهنگام تعهدات خود خواهد بود. اما چنانچه کیفیت دارایی‌های بانک پایین باشد - اعم از این که این دارایی‌ها مالی یا فیزیکی باشد - بانک در ایفای تعهدات خود، به ویژه استرداد سپرده‌ها با مشکل روبرو خواهد شد. احتمال پیدایی این وضعیت از مهمترین دغدغه‌های مقامات پولی است. از اینرو، یکی از اولویت‌های بانک‌های مرکزی در زمینه نظارت، ارزیابی کیفیت دارایی‌های بانک‌ها است که برای جلوگیری از وقوع آن، افزون بر نظارت بی‌وقفه، مقررات ویژه‌ای را نیز وضع می‌کنند.

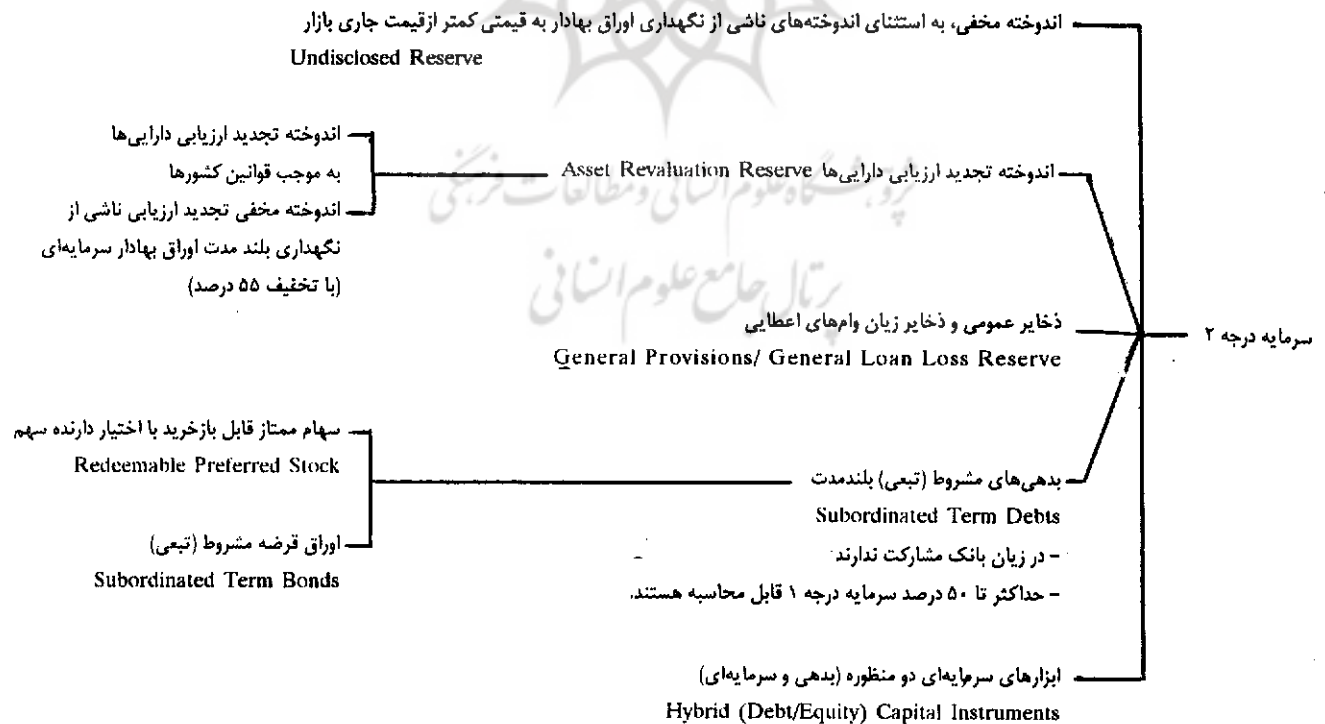


اقلام تشکیل دهنده سرمایه درجه (۱)



منبع: حسابدار / شماره ۱۳۶ / اردیبهشت ۱۳۷۹ / صفحه ۴۰.

اقلام تشکیل دهنده سرمایه درجه (۲)



منبع: حسابدار / شماره ۱۳۶ / اردیبهشت ۱۳۷۹ / صفحه ۴۱.



می‌شوند و بانک‌ها مکلف به رعایت دقیق آنها هستند. مقام نظارتی بانک مرکزی افزون بر مراقبت لازم برای تحقق این امور، موارد متعدد دیگری را نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد، مواردی همچون: افزایش کیفیت فعالیت، کیفیت مدیریت و میزان کارایی بانک‌ها، شیوه سرویس‌دهی مناسب بانک‌ها، کمک به جلب اعتماد عمومی، حفظ اسرار مشتریان و ...

فهرست منابع

- ۱) سید مهدی الوانی/ ویژگی‌های نظام کارآمد نظارتی/ مجموعه مقالات دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور/ چاپ اول/ سازمان بازرسی کل کشور - دانشکده مدیریت دانشگاه تهران/ ۱۳۸۰.
- ۲) دادود م. دادگر/ مبانی بازرسی و تهیه گزارش‌های ویژه نظارتی/ مجموعه مقالات دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور/ چاپ اول/ سازمان بازرسی کل کشور - دانشکده مدیریت دانشگاه تهران/ ۱۳۸۰.
- ۳) سید حسین مهدوی/ نظارت در بانکداری مرکزی و بررسی عملکرد ده ساله آن در بانکداری اسلامی در ایران/ مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده به چهارمین سمینار بانکداری اسلامی/ چاپ اول/ مؤسسه بانکداری ایران.
- ۴) مرتضی والی‌نژاد/ مجموعه قوانین و مقررات بانکی/ چاپ اول/ مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۳۶۸.
- ۵) وحید فراتی کاشانی/ موافقتنامه جدید سرمایه کمیته بال و تأثیر آن در سیاست اعتباری و مدیریت ریسک بانک‌ها/ بانک (فصلنامه بانک صادرات ایران)/ شماره ۱۷/ تابستان ۱۳۸۰.

- ۶) مهناز بهرامی/ پیاده کردن ضوابط نظارتی کمیته بال در بانکداری اسلامی/ مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات یازدهمین همایش بانکداری اسلامی/ چاپ اول/ مؤسسه عالی بانکداری ایران/ ۱۳۷۹.
- ۷) منوچهر منوچهری/ نسبت کفایت سرمایه/ حسابدار/ سال چهاردهم/ شماره ۱۳۶/ اردیبهشت ۱۳۷۹.
- ۸) سلامت بانک‌ها و سیاست‌های اقتصاد کلان/ تازه‌های اقتصاد/ شماره ۶۰/ اسفند ۱۳۷۵.

- ۹) محمد قربانی/ نظارت بر بانک‌ها؛ پیشگیری یا مچ‌گیری؟!/ اطلاعات/ شماره ۲۲۴۱۹/ چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۸۰.

- ۱۰) مرتضی والی‌نژاد/ مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر امور بانک‌ها/ زیر چاپ.

- ۱۱) اصول منشور بال در زمینه اصلاح نظام بانکی/ بورس/ شماره ۲۶/ شهریور ۱۳۸۰.

- ۱۲) فیروزه خلعت‌بری/ نقش بهینه بانک مرکزی در برابر دولت و جریان توسعه اقتصادی/ اقتصاد و مدیریت/ شماره ۴/ بهار ۱۳۶۹.

نسبت کفایت سرمایه عبارت است از نسبت سرمایه بانک به دارایی‌های توأم با ریسک آن:

$$\text{نسبت کفایت سرمایه} = \frac{\text{سرمایه بانک}}{\text{دارایی‌های ریسک‌پذیر} + \text{حساب‌های انتظامی ریسک‌پذیر}}$$

در سال ۱۹۷۵ در شهر بال، رؤسای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو گروه ده «کمیته بال برای مقررات بانکی و رویه‌های نظارتی» را برای نظارت بر فعالیت بانک‌ها ایجاد نمودند.

در ژوئیه سال ۱۹۸۸، این کمیته در چارچوب «موافقتنامه سرمایه بال» استفاده از نسبت کفایت سرمایه تعدیل شده را به عنوان یک ابزار مهم برای تجزیه و تحلیل و اتخاذ تصمیم در مورد چگونگی توانایی و کارایی فعالیت‌های بانک‌ها بر مبنای آن پیشنهاد کرد. برای محاسبه این نسبت، گروه‌های مختلفی از دارایی‌های بانک براساس ضرایبی از ریسک که محدود و مشخص هستند، موزون می‌شوند. در این موافقتنامه، حداقل نسبت کفایت سرمایه، یعنی نسبت سرمایه به دارایی‌های ریسک‌دار ۸ درصد تعیین شده است.

براساس موافقتنامه ۱۹۸۸، بانک‌ها می‌باید دارایی‌های خود را با ضریب ریسکی که دارند، موزون کرده و برابر نسبتی از مجموع آن سرمایه نگهداری کنند (حداقل ۸ درصد). در این راستا، سرمایه به طور کلی از دو قسمت تشکیل می‌شود:

- سرمایه درجه (۱) شامل سرمایه پایه (سهام عادی منتشر و پرداخت شده و سهام ترجیحی غیرتجمعی) و اندوخته‌های آشکار (سود تقسیم نشده). میزان سرمایه درجه (۱) حداقل ۵۰ درصد از کل سرمایه است.

- سرمایه درجه (۲) یا تکمیلی، شامل منابع داخلی یا خارجی بانک. وضع این مقررات و ضوابط به دلیل حفظ امنیت و سلامت مالی مؤسسه در جهت حفظ منافع سپرده‌گذار و صاحب سرمایه است.

در برنامه‌های نظارتی بانک‌های مرکزی، کنترل کفایت سرمایه همانند کنترل کیفیت دارایی‌ها از اولویت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، زیرا هم کیفیت دارایی‌ها و هم کیفیت سرمایه نقش اصلی و اساسی در حفظ امنیت و سلامت بانک دارند.

نظارت بر رعایت ضوابط و مقررات بانکی

دلایل بسیاری برای وضع ضوابط و مقررات بانکی وجود دارد، دلایلی همچون: ایجاد هماهنگی، نظم بخشیدن به عملیات، حفظ امنیت و سلامت بانک، برنامه‌ریزی برای کنترل عرضه پول و ...

حدود نصاب اعتباری (فردی، کلی، بخشی)، نرخ‌های سپرده‌ها، نرخ‌های اعتباری، حداقل موجودی نقدی، حد نصاب‌های صدور ضمانت‌نامه، نسبت‌های سپرده قانونی، حد نصاب گشایش اعتبارات اسنادی، حد نصاب ظهرنویسی‌ها (ارزی و ریالی) و ... از جمله مواردی هستند که در قالب بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های بانک مرکزی ابلاغ

○ مهم‌ترین هدف از نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها، همانا اعمال درست و بهنگام سیاست پولی و اعتباری است.

○ در برنامه‌های نظارتی بانک‌های مرکزی، کنترل کفایت سرمایه همانند کنترل کیفیت دارایی‌ها از اولویت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا هم کیفیت دارایی‌ها و هم کیفیت سرمایه نقش اصلی و اساسی در حفظ امنیت و سلامت بانک دارند.